

## حقوق زنان در افغانستان؛ دستاوردهای گذشته و چالش‌های آینده

مختار حسین حیدری



### الف: دستاوردها

در شروع قرن بیست و یکم، بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و به دنبال آن، آغاز جنگ علیه تروریسم از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش، حکومت طالبان با حمله مشترک آمریکا و نیروهای اتحاد شمال سقوط کرد و نظام جدیدی در افغانستان پایه‌گذاری شد که جایگاه و حقوق زن یکی از موضوعات محوری آن به شمار می‌آید. در ادامه، برخی از دستاوردهای مهم این نظام جدید در زمینه برابری جنسیتی و حقوق زنان را به صورت مختصر برمی‌شماریم:

#### ۱. معاهده بن و قانون اساسی جدید

شالوده نظام جدید افغانستان در کنفرانس بن آلمان که از تاریخ ۲۱ نوامبر تا ۵ دسامبر ۲۰۰۱ ادامه یافت، پی‌ریزی شد. در میان ۶۱ نفر اعضای رسمی و غیررسمی کنفرانس، پنج زن حضور داشتند و یکی از نتایج این کنفرانس، تأکید بر حضور زنان در نظام آینده بود. در این کنفرانس، شش محور عمده امنیت، زنان، معارف، حقوق بشر، قانون اساسی و اقتصاد، در جریان بازسازی افغانستان، مورد بحث قرار گرفت.<sup>۱</sup> در مقدمه معاهده، نبود تبعیض جنسیتی از جمله شرایط اداره موقت شمرده شده است. در بخش سوم درباره تعیین اعضای اداره موقت، بر مشارکت زنان در اداره موقت تأکید شده است. بر این اساس، در اداره موقت، دکتر سیما سمر به عنوان معاون رئیس دولت و معاون وزیر امور زنان، و دکتر سهیلا صدیق به عنوان وزیر صحت عامه تعیین شدند. در بخش چهارم معاهده درباره کمیسیون تشکیل لوی جرگه، حضور قابل توجه زنان در لوی جرگه اضطراری که بعداً تشکیل خواهد شد، مورد تأکید قرار گرفته است.

بر اساس توافقنامه بن، قانون اساسی جدید، آماده و در لوی جرگه ۱۳۸۲ تصویب شد و رئیس‌جمهور دوره انتقالی، آقای حامد کرزی، آن را در ششم دلو ۱۳۸۲ تأیید کرد. در جریان تصویب این قانون، پس از موضوع اسلامی بودن نظام، دومین موضوعی که جنجالی و محور گفت‌وگو شد، حقوق و جایگاه زن در نظام سیاسی آینده افغانستان بود.<sup>۱</sup> در اثر این گفت‌وگوها و فشارهای که از ناحیه نمایندگان سازمان ملل متحد و کشورهای غربی بر نمایندگان لوی جرگه وارد می‌شد، در قانون اساسی، برابری جنسیتی و حقوق زنان از جایگاه ممتازی برخوردار شده است؛ حتی با توجه به ستمی که در گذشته به زنان رفته بود، با پیش‌بینی تبعیض مثبت برای زنان، قانون اساسی کنونی درباره حقوق زنان، رویکرد جبرانی در پیش گرفته است.

در مقدمه قانون اساسی، بر رعایت منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز کرامت و حقوق انسانی تأکید شده است. در ماده ششم، حفظ کرامت انسانی و حمایت از حقوق بشر از تکالیف دولت شمرده شده است. در ماده هفتم، این مطلب که دولت، منشور ملل متحد و نیز معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی‌ای که افغانستان عضو آن‌هاست و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت خواهد کرد، یک بار دیگر مورد تأیید قرار گرفته است. مفاهیم به‌کاررفته در این فرازها، بیانگر هنجارهای بین‌المللی حقوق بشر است که برابری جنسیتی و تأمین حقوق زنان، بخشی از آن را تشکیل می‌دهند.

در ماده ۲۲ قانون اساسی، هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع و صریحاً بیان شده است که اتباع افغانستان، اعم از زن و مرد، در برابر قانون دارای حقوق و تکالیف مساوی هستند. «در این ماده به برابری زن و مرد در برابر قانون تصریح شده است. در نتیجه، طبق اصل پیروی قوانین عادی از قانون اساسی، در آینده هیچ قانونی نمی‌تواند در افغانستان تصویب شود که بین زن و مرد تبعیض قائل شود.»<sup>۲</sup>

در ماده ۳۳، همه اتباع افغانستان حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن دارند و از این طریق، راه مشارکت سیاسی زنان، از پایین‌ترین مرحله، یعنی رأی‌دهی، تا بالاترین سطح، یعنی نامزدشدن و انتخاب‌شدن برای ریاست‌جمهوری و نمایندگی و ریاست مجالس شورای ملی (مجلس نمایندگان و سنا) باز است. در این قانون، برای کسب بالاترین مقام کشور، یعنی ریاست‌جمهوری،<sup>۳</sup> وزارت،<sup>۴</sup> نمایندگی شورای ملی<sup>۵</sup> (مجلس نمایندگان و مجلس سنا)، عضویت در دادگاه عالی (ستره محکمه)<sup>۶</sup> و هر شغل

۱. احمد علیزاده، فرایند شکل‌گیری قانون اساسی افغانستان، کابل، انتشارات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۲۶.

۲. غلام حیدر علامه، جایگاه حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان، ص ۷۵.

۳. قانون اساسی، ماده ۶۲.

۴. قانون اساسی، ماده ۷۲.

۵. قانون اساسی، ماده ۸۵.

۶. قانون اساسی، ماده ۱۱۷.



دولتی دیگر،<sup>۱</sup> زنان حق برابر دارند و هیچ منعی پیش‌بینی نشده است. با توجه به نابرابری‌های شدیدی که در گذشته بوده است، در انتخاب نمایندگان پارلمان، تبعیض مثبت به نفع زنان پیش‌بینی شده است و لذا طبق قانون انتخابات، از هر ولایت، حداقل یک چهارم نمایندگان از میان زنان انتخاب می‌شوند و باقی‌مانده می‌توانند زن یا مرد باشند.<sup>۲</sup> در مورد یک‌سوم اعضای مجلس سنا که رئیس‌جمهور آنان را منصوب می‌کند، در قانون پیش‌بینی شده است که نصفشان باید از میان زنان باشند.<sup>۳</sup> برای حضور زنان در شوراهای ولایتی و ولسوالی نیز تبعیض مثبت در نظر گرفته شده است.<sup>۴</sup>

## ۲. تأسیس نهادهای حمایتی

یکی از دستاوردهای مهم نظام سیاسی جدید در افغانستان، ایجاد برخی نهادهای حمایتی مرتبط با جایگاه و حقوق زنان در جامعه است. در اینجا به معرفی مختصر دو نهاد مهم حمایتی، یعنی وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌پردازیم.

تأسیس وزارت امور زنان: سابقه نهاد مخصوص امور زنان به سال ۱۳۲۲ش، زمان سلطنت محمدظاهر شاه می‌رسد، زمانی که اتحادیه بیست‌عضوی زنان، نهادی را به نام «مؤسسه عالی نسوان» به منظور آموزش و روشنگری زنان افغانستان در مرکز شهر کابل ایجاد کردند. این نهاد در طول هفتاد سال، تغییرات زیادی را شاهد بود؛ تا اینکه بر اساس توافقات کنفرانس بن، در چارچوب اداره موقت افغانستان، وزارت امور زنان ایجاد شد و کارمندان زن و مرد مؤسسه عالی نسوان مجدداً جذب شدند. این وزارت دارای ۹ ریاست مرکزی و ۳۴ ریاست امور زنان در ولایات است. اولین قانون تنظیم اجرائیات و فعالیت‌های وزارت امور زنان اداره مرکزی، در چهار فصل و ۲۴ ماده، بر اساس مصوبه شماره ۳ در تاریخ ۱۳۸۳/۱/۱۷ در مجلس عالی و زرا تصویب شد و بر اساس فرمان شماره ۲۶ در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۴ در ریاست دولت انتقالی اسلامی افغانستان منظور گردید. طبق ماده سوم این قانون، «وزارت امور زنان مسئول تطبیق مشی سیاسی و اجتماعی دولت جهت تأمین و توسعه حقوق مشروع زنان در کشور و رعایت قانونمندی در زندگی آن‌هاست»<sup>۵</sup>

وزارت امور زنان، به‌مثابه اداره دولتی برنامه‌ساز، هماهنگ‌کننده و نیز جهت‌دهنده به فعالیت‌های ادارات دولتی نظارت‌کننده بر آن‌ها، در همکاری با جامعه مدنی و نهادهای بین‌المللی که در قلمرو افغانستان برای زنان کار می‌کنند، مشغول فعالیت است. این وزارتخانه مرجعی دولتی در سطح کشور است که سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کاری کوتاه‌مدت و درازمدت مربوط به

۱. قانون اساسی، ماده ۵۰.

۲. قانون اساسی، ماده ۸۳ و قانون انتخابات، ماده ۲۳.

۳. قانون اساسی، ماده ۸۴.

۴. قانون انتخابات، مواد ۳۱ و ۳۶.



زنان را در ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی تدوین نموده و با همکاری دیگر وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی، برنامه‌های خود را اجرایی می‌کند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان: تأسیس نهاد ملی مستقل حقوق بشری، به منظور حمایت از حقوق بشر و نظارت بر رعایت آن، در معاهده بن پیش‌بینی شده<sup>۱</sup> و سپس در قانون اساسی جدید گنجانده شده است.<sup>۲</sup> برای بیان اهداف، وظایف، محدوده صلاحیت‌ها و اختیارات این کمیسیون، در بهار ۱۳۸۴، قانون «تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» در کابینه دولت تصویب شد و رئیس‌جمهور آن را ابلاغ کرد. طبق ماده پنجم این قانون، اهداف کمیسیون عبارت‌اند از: ۱. نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور؛ ۲. تعمیم حقوق بشر و حمایت از آن؛ ۳. نظارت بر وضعیت و چگونگی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری؛ ۴. بررسی و تحقیق تخلفات و موارد نقض حقوق بشر؛ ۵. اتخاذ تدابیر به منظور بهبود و انکشاف وضعیت حقوق بشر در کشور.

در ماده ۲۱ قانون تشکیل این کمیسیون، حدود ۳۵ فقره به عنوان وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون ذکر شده و طبق آن، تمام فعالیت‌های مربوط به رعایت حقوق بشر در سطح کشور به این کمیسیون محول شده است. استقلال این کمیسیون از دیگر نهادهای دولتی و انتصاب دکتر سیما سمر، فعال حقوق بشر بین‌المللی، از عوامل موفقیت این نهاد در این سال‌ها بوده است. این کمیسیون علاوه بر دفتر مرکزی کابل، ۸ دفتر ساحوی و ۶ دفتر ولایتی در مناطق دیگر دارد و دارای بخش‌های مختلف کاری است و از آن جمله می‌توان به بخش «حمایت و انکشاف حقوق زنان» اشاره کرد.<sup>۳</sup> بخش حمایت از حقوق زنان به سبب نیل به اهداف عمومی کمیسیون، برای اجرایی‌شدن حمایت‌های قانونی مندرج در قانون اساسی برای زنان ایجاد شده است. این بخش تدابیر قانونی برای اصلاح قوانین و مقررات را به دولت پیشنهاد می‌کند و در زمینه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مربوط به زنان به دولت مشورت می‌دهد. یکی از کارکردهای مهم این بخش، ثبت و پیگیری شکایات زنان بزه‌دیده است. این کمیسیون همچنین، وضعیت حقوق بشر و حقوق زنان را به نهادهای نظارتی سازمان ملل گزارش می‌دهد.<sup>۴</sup>

قابل ذکر است که نهادی مشابه این دو نهاد در ایران اصلاً وجود ندارد. علاوه بر آن، در بسیاری از وزارتخانه‌ها و ادارات افغانستان، ریاست جندر وجود داشت که بر برابری حقوق زن و مرد در داخل همان اداره نظارت می‌کرد.

### ۳. تصویب معاهدات و قوانین حمایتی

یکی از دستاوردهای مهم دوره جدید، الحاق دولت افغانستان به مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حقوق زنان، یعنی «کنوانسیون

۱. معاهده بن، بخش سوم، بند ج، شماره ۶.

۲. قانون اساسی، ماده ۵۸.

3. <http://www.aihrc.org.af/fa/offices>

۴. ماهنامه حقوق بشر، سال ششم، شماره ۷، ص ۴.

رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان» است که در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. دولت افغانستان سند الحاق را بدون حق شرط امضا نموده و رسماً به عضویت این سند مهم حقوق بشری درآمده است. ایران عضویت در این سند را هنوز نپذیرفته است. با الحاق افغانستان به این کنوانسیون، از نظر قانونی، زمینه مبارزه با تبعیض جنسیتی فراهم‌تر شده است. طبق گزارش دولت افغانستان به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، مفاد این کنوانسیون در قوانین، مقررات و سیاست‌گذاری‌های دولت گنجانده شده است. در این گزارش، دولت افغانستان از قوانین مختلف نام می‌برد که مفاد این کنوانسیون را در بخش‌های مربوط در نظر گرفته و چارچوب عملی را برای تطبیق آن ایجاد کرده است.<sup>۱</sup>

از دیگر دستاوردهای مهم این دوره، تدوین و اجرایی‌شدن قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۱۳۸۸ است. این قانون تقنینی و از نظر قانونی لازم‌الاجراست. در این قانون، با ادبیات صریح و روشن که از امتیازات قانون‌نویسی است، علاوه بر ارائه تعریف خشونت، مصداق‌های خشونت نیز بیان شده است. این قانون همچنین، تبعیض علیه زنان را محکوم می‌کند و نهادهای مختلف دولتی مکلف شده‌اند در جهت رفع تبعیض علیه زنان اقدامات مؤثری انجام دهند. ۲ در این راستا، تا حدودی، بر فرهنگ‌سازی و بسترسازی برای رفع خشونت علیه زنان از طریق اقدامات پیشگیرانه و حمایتی تأکید صورت گرفته است. از دیگر امتیازات این قانون این است که کمیونی را مسئول پیگیری آن قرار داده است و در وزارت امور زنان، هر ماه یک بار، جلساتی برای اجرایی‌شدن و پیگیری آن تشکیل می‌شود.<sup>۲</sup>

در ادامه روند حمایت قانونی از زنان، در تاریخ ۱۴/۶/۱۳۹۴، قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال به تصویب شورای وزیران رسید. در این قانون، آزار و اذیت زنان و کودکان جرم محسوب شده و برای ارتکاب آن، مجازات تعیین شده است. کمی بعد، محتوای همین قانون با برخی تغییرات در قالب قانون مطرح شد و متن قانون منع آزار و اذیت زنان و اطفال در ۱۹ عقرب سال ۱۳۹۵ توسط ولسی جرگه و در ۵ جدی سال ۱۳۹۵ توسط مجلس سنا به تصویب رسید. البته متن این قانون هنوز به توشیح رئیس‌جمهور نرسیده است و به همین دلیل در مورد لازم‌الاجرا بودن آن هنوز اختلاف نظر وجود دارد.

#### ۴. مشارکت عملی زنان در عرصه عمومی

از سال ۱۳۸۱ تاکنون در حکومت جدید افغانستان در تمام تصمیم‌گیری‌های سرنوشت‌ساز، زنان سهم و مشارکت داشته‌اند؛ از جمله از میان ۲۱ عضو کمیسیون تشکیل لوی جرگه اضطراری ۳ نفر و از میان ۱۵۰۱ عضو لوی جرگه ۱۶۰ نفر زن بوده‌اند و یکی از زنان عضو لوی جرگه، خانم سیما سمر، به‌عنوان معاون اول رئیس لوی جرگه انتخاب شد.<sup>۳</sup> در انتخابات ریاست دولت انتقالی، یکی از کاندیدها به نام مسعوده جلال، زن بوده و در کابینه انتقالی، برای دو وزارت امور زنان و صحت عامه، وزیران زن

۱. وزارت امور خارجه افغانستان، گزارش مقدماتی و دوم دوره‌ای به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، خرداد ۱۳۹۰، ص ۹، بند ۲۲.

۲. سایت وزارت امور زنان: [www.http://mowa.gov.af/fa](http://www.mowa.gov.af/fa) و محمدآصف محسنی (حکمت)، پیشین، ص ۳۴۴.

۳. عبدالله کاظم، زنان افغان زیر فشار عنعن و تجدد، (یک بررسی تاریخی)، ص ۵۱۶.



انتخاب شدند و خانم سیما سمر نیز به ریاست کمیسیون مستقل حقوق بشر منصوب شد.<sup>۱</sup> در کمیسیون‌های تدوین و بازبینی قانون اساسی ۱۳۸۲، زنان نقش فعال داشته‌اند. ضمناً برای تدقیق بیشتر حقوق زنان، کمیته ویژه‌ای مرکب از ۳۰ زن به ریاست محبوبه حقوق‌مطل تشکیل شده بود که برخی از پیشنهادهای این کمیته در نسخه نهایی قانون اساسی لحاظ شده است.<sup>۲</sup>

با الهام از آزادی‌های مندرج در قانون اساسی، زنان در نخستین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در دوره جدید به‌گونه‌ای چشمگیر شرکت کردند. در این دوران، زنان خود را برای انتخابات مجلس شورای ملی و شوراهای ولایتی نامزد کردند و به این نهادها راه یافتند. حبیبه سرابی به‌عنوان نخستین والی زن در ولایت بامیان و خانم عدرا جعفری به‌عنوان نخستین شهردار زن در نیلی مرکز دایکندی مشغول به کار شدند. در دومین انتخابات ریاست جمهوری نیز دو خانم نامزد بودند. درصد مهمی از کرسی‌های نمایندگی در شورای ملی به زنان اختصاص دارد و در این دوران، زنان به قضاوت هم مشغول شدند. یگانه نهاد حکومتی که در برابر حضور زنان مقاومت کرده است، دادگاه عالی (ستره محکمه) افغانستان است. هرچند از نظر قانونی، هیچ مانعی برای عضویت زنان در دادگاه عالی وجود ندارد، رئیس‌جمهور قبلی هیچ خانمی را برای عضویت در این نهاد معرفی نکرد. رئیس‌جمهور کنونی، آقای اشرف غنی، بر اساس وعده‌های که در زمان مبارزات انتخاباتی داده بود، خانم انیسه رسولی را برای عضویت در این نهاد به پارلمان معرفی کرد؛ اما خانم رسولی نتوانست نظر مثبت نمایندگان را جلب کند.

اکنون یک‌سوم شوراهای ولایتی به زنان اختصاص دارد. افزون بر این، حضور زنان در ادارات دولتی، نیروهای دفاعی و امنیتی و نیز در مؤسسه‌های غیردولتی پررنگ‌تر شده و تاکنون چند حزب سیاسی به‌رهبری زنان، در مرکز «ثبت و انسجام احزاب و گروه‌ها» به ثبت رسیده است. زنان افغانستان در نهادهای مدنی، رسانه‌ها و مؤسسات آموزشی حضور جدی و مؤثر داشته‌اند. در دانشگاه کابل، رشته‌ای دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد به نام «جنسیت و مطالعات زنان» ایجاد شده است که هدفش تحقق برابری جنسیتی در این کشور است. این رشته از دو سال قبل تأسیس شد و نخستین گروه دانش‌آموختگانش ۲۱ دانشجوی زن داشت (یعنی ۷۰ درصد دانشجویان) و همگی در زمستان ۱۳۹۶ فارغ‌التحصیل شدند.<sup>۳</sup>

## ب: چالش‌ها

با وجود این دستاوردهای غیرقابل‌انکار، دستیابی به این نتایج به معنای رسیدن به وضعیت مطلوب نیست؛ بلکه هنوز در افغانستان، تبعیض‌های شدیدی بر اساس جنسیت اعمال می‌شود و زنان شاهد نقض گسترده حقوقشان هستند. نهادهای بین‌المللی حقوق بشری نیز در گزارش‌های خود در سال‌های اخیر، ضمن اشاره به پیشرفت‌های نسبی زنان، وضعیت کنونی آنان را هنوز نامطلوب می‌دانند و معتقدند نداشتن مصونیت قانونی، تهدید از سوی طالبان و دیگر گروه‌های مسلح، زندانی شدن

۱. محمدآصف محسنی (حکمت)، زنان در افغانستان فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها، ص ۸۹.

۲. عبدالله کاظم، زنان افغان زیر فشار عنعنه و تجدد، (یک بررسی تاریخی)، ۵۲۴.

3. <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-42555723>



دختران و زنان به اتهام فرار از خانه از سوی حکومت و نیز مرگ‌ومیر مادران هنگام زایمان، از مشکلات جدی زنان افغانستان هستند.<sup>۱</sup> هنوز هم ازدواج اجباری و زود هنگام، از مشکلات مهم فراروی زنان افغانستان است.<sup>۲</sup> در تازه‌ترین گزارش مؤسسه جورج تاون، وضعیت زنان در ۱۵۰ کشور جهان بر مبنای ۴ شاخص عدالت، امنیت، تبعیض علیه زنان و میزان مشارکت ملی رتبه‌بندی شده است و بر اساس این رده‌بندی، افغانستان و سوریه بدترین کشورهای جهان برای زنان هستند.<sup>۳</sup>

در اینجا برای نمونه به برخی چالش‌های مهم در حوزه حقوق زنان می‌پردازیم:

### ۱. وضعیت موجود پدیده وارداتی و ناپایدار

دستاوردهای جدید در حوزه جایگاه زنان، محصول خالص اندیشه و فعالیت اندیشمندان و سیاستمداران افغانستان نیست؛ بلکه تحت تأثیر عوامل خارجی، اعم از نمایندگان نهادهای بین‌المللی و نمایندگان کشورهای خارجی، به وجود آمده است. شعارهای که از طرف دولت و جامعه جهانی درباره حقوق زن و تبعیض جنسیتی داده می‌شود و در قوانین افغانستان گنجانده شده است، با واقعیت‌های جامعه افغانستان همخوانی ندارد. به گفته برخی از کارشناسان، همسران مقامات عالی‌رتبه دولتی از دید دوربین‌ها پنهان می‌شوند، معلوم است که واقعیت‌های درونی جامعه افغانستان غیر از آن چیزی است که شعار داده می‌شود. از عدم مشارکت همسران اکثر دولتمردان عالی‌رتبه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، می‌توان نتیجه گرفت که این دولتمردان به مشارکت زنان در عرصه عمومی جامعه چندان اعتقاد جدی ندارند.<sup>۴</sup> بنابراین، پیشرفت‌های که در حوزه زنان به وجود آمده است، اصلاحاتی است که در عمق جامعه نفوذ نکرده و به شهرهای بزرگ و قشر تحصیل‌کرده محدود است. این اصلاحات به صورت دستوری و تا حدودی تحمیلی ایجاد شده‌اند و به همین دلیل شکننده‌اند و با نبود عوامل خارجی ممکن است از بین بروند.

نکته دیگر در خصوص وضعیت موجود، عدم فراگیری پیشرفت‌های به دست آمده در کل افغانستان است. بسیاری از مناطق جنوبی و شرقی و در سال‌های اخیر، مناطق شمالی افغانستان عملاً تحت تأثیر حضور طالبان هستند و طالبان از راه‌های مختلف،

1. HUMAN RIGHTS WATCH, WORLD REPORT 2012 EVENTS OF 2011, PP. 288-293, WWW.HRW.ORG.

2. CAROL J. RIPHENBURG, POST-TALIBAN AFGHANISTAN: CHANGED OUTLOOK FOR WOMEN? ASIAN SURVEY, VOL. 44, NO. 3 (MAY/JUNE 2004), P. 406, PUBLISHED BY: UNIVERSITY OF CALIFORNIA PRESS.

3. Goergetown institute for women, peace and security, Women, Peace and Security index, 2017-2018, page No.22 <https://giwps.georgetown.edu/wp-content/uploads/2017/10/WPS-Index-Report-2017-18.pdf>

۴. ماهنامه حقوق بشر، سال چهارم، شماره دهم، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، دی ۱۳۸۵، ص ۸.



زنان و دخترانی را که در فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و آموزشی مشغول هستند، مورد تهدید و حمله قرار می‌دهند.<sup>۱</sup> وضعیت متزلزل دستاوردهای جدید برابری جنسیتی، قابل توجه است. این مطلب زمانی بیشتر احساس شد که از چند سال پیش، زمزمهٔ مصالحه با طالبان به گوش رسید و تاکنون فعالیتهایی در این باره انجام شد. بسیاری از فعالان حقوق مدنی و مدافعان حقوق بشر نگرانند که در جریان صلح با طالبان، حقوق زنان و وجه‌المصالحه قرار بگیرد. در سال ۲۰۱۰ که زمزمهٔ مصالحه با طالبان به صورت جدی‌تر مطرح شد، سازمان دیدبان حقوق بشر با نشر گزارشی با عنوان «طالبان ده دلاری و حقوق زنان، زنان افغان و خطرات ناشی از جذب مجدد و مصالحه» نگرانی شدید خود را از قربانی شدن حقوق زنان در جریان مصالحه ابراز داشت و پیشنهادها را در این خصوص مطرح کرده است.<sup>۲</sup>

## ۲. تعارض با برداشتهای حاکم دینی

واقعیت این است که برابری جنسیتی که در قانون اساسی و قوانین جدید ایجاد شده و زمینه مشارکت فعال زنان در جامعه فراهم شده است، توسط اکثر نهادهای دینی و افراد متدین افغانستان مخالف احکام دینی قلمداد می‌شود. این نهادها و افراد برابری کامل حقوق زن و مرد را برخلاف ارزش‌های اسلامی و مضر به حال اجتماع می‌دانند. به‌عنوان مثال در جریان جنجال‌ها و کشمکش‌هایی که در مورد احوال شخصیه اهل تشیع به وجود آمد، پیشنهادهای فعالان مدنی و مدافعان حقوق بشر مبنی بر تدوین قانون احوال شخصیه بر مبنای ارزش‌های حقوق بشری و برابری جنسیتی از سوی برخی نهادهای دینی مخالف ارزش‌ها و احکام اسلامی تلقی می‌شد.<sup>۳</sup> در اواخر حکومت رئیس‌جمهوری قبلی که نمایندگان زن پارلمان تلاش داشتند قانون منع خشونت علیه زنان را به تصویب پارلمان برسانند، بسیاری از وکلا که سابقه تحصیل در مدارس دینی داشتند، با استناد به احکام دینی با تصویب این قانون در پارلمان مخالفت کردند. از جمله آقای عبدالستار خواصی ضمن مخالفت با تصویب فرمان تقنینی گفت که باید روشن شود که رئیس‌جمهوری افغانستان چرا قانونی را که در شش مورد برخلاف شریعت و کلام خدا است امضا کرده است<sup>۴</sup> نمونه دیگر اینکه در حکومت کنونی زمانی که سیما جوینده به‌عنوان والی غور تعیین شد، برخی از علمای آن ولایت در اعلامیه با استناد به برخی متون دینی با ولایت خانم جوینده مخالفت کردند.<sup>۵</sup>

به‌هرحال احساس تعارض میان ارزش‌های حقوق بشری از جمله برابری جنسیتی از یک طرف و احکام اسلامی از طرف

1. . HUMAN RIGHTS WATCH, THE “TEN-DOLLAR TALIB” AND WOMEN’S RIGHTS, AFGHAN WOMEN AND THE RISKS OF REINTEGRATION AND RECONCILIATION, PP.24-33.

2. . IBID, P.35-54.

3. . <https://da.azadiradio.com/a/1771216.html> .

4. . [http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2013/05/130518\\_k03\\_eliminating\\_vilence\\_against\\_women\\_law](http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2013/05/130518_k03_eliminating_vilence_against_women_law)

5. . <http://8am.af/1394/05/03/ulema-council-ghor-province-governor-of-the-woman-is-not-against-the-law/>





دیگر، یکی از چالش‌های عمده مسئله حقوق زنان بوده و یکی از زمینه‌های توجیه‌کننده تبعیض جنسیتی در افغانستان است. با توجه به عمق نفوذ دین در زندگی مردم، این احساس تعارض اکثراً به ضرر هنجار مخالف با برداشت دینی مردم تمام‌شده و باعث ضعف یا نابودی کامل این نوع هنجارها می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۳. تناقض در نظام قانونی

اساس نظام جدید افغانستان بر اساس معاهده بن و قانون اساسی جدید مصوب ۱۳۸۲ گذاشته شده است. در لوی جرگه‌ای که این قانون اساسی را تصویب نمود، از یک طرف اکثریت اعضا را رهبران و طرفداران مجاهدین افغانستان تشکیل می‌داد و آن‌ها از نظر فکری به دنبال اجرای احکام شریعت اسلامی در همه زمینه‌ها از جمله در مورد حقوق زنان بودند و از طرف دیگر برخی از اعضای روشنفکر لوی جرگه و نمایندگان سازمان ملل متحد و کشورهای خارجی می‌خواستند ارزش‌های نظام بین‌الملل حقوق بشر که از مهم‌ترین اصول آن برابری جنسیتی است در قانون اساسی لحاظ شود. در نتیجه تقابل این دو طرز تفکر، در قانون اساسی دو بخش ظاهراً متعارض تصویب شده است؛ از طرفی به‌عنوان نمونه در ماده ۳ قانون اساسی آمده است که قوانین افغانستان نباید مخالف اسلام باشد و از طرف دیگر در بسیاری از مواد قانون اساسی بر ارزش‌های حقوق بشری و برابری میان زن و مرد تأکید شده است و در همین راستا افغانستان در سال ۲۰۰۳ بدون هیچ حق شرط به کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان ملحق شد که هدف آن ایجاد برابری کامل حقوقی میان زن و مرد است. در نتیجه، اساس نظام قانونی افغانستان دچار تعارض بوده و چنانکه در جریان تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع مشاهده شد، طرفداران هر کدام از این دو اندیشه بر بخشی از قانون اساسی تأکید داشته و دارند.<sup>۲</sup>

### ۴. نفوذ عمیق آداب و رسوم تبعیض‌آمیز

با تمام پیشرفت‌هایی که در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری‌های کلان صورت گرفته، به‌عنوان یک واقعیت خارجی به‌خصوص در روستاها و مناطق دورافتاده، این هنجارها و آداب و رسوم ظالمانه سنتی است که بر سرنوشت زنان حاکمیت دارد و هنوز رسوم غیرانسانی زیادی رایج است که زنان افغانستان محکوم آن هستند. علی‌رغم خوش‌بینی‌های قبلی، دلیل اینکه بعد از سقوط طالبان در متن جامعه افغانستان وضعیت زنان بهبودی چشمگیری نداشته این است که بسیاری از ارزش‌ها و هنجارهای سنتی ریشه‌دار جامعه علت وضعیت نابرابر زنان است.<sup>۳</sup> طبق گزارش افغانستان به کمیته رفع تبعیض علیه زنان هنوز مطابق آداب و رسوم تبعیض‌آمیز با زنان برخورد ناسالم صورت می‌گیرد. وضع محدودیت در قبال برخورداری زنان از حقوق قانونی و دسترسی به

۱. مختار حسین حیدری، حقوق بشر، نشر واژه، کابل، ۱۳۹۶، ص ۲۳۰.

۲. همان صفحه ۲۳۱.

محاكم در تمام افغانستان مبتنی بر پایه‌های فرهنگی بوده و خروج زن از خانه بدون اجازه شوهر، یک نوع هنجارشکنی محسوب می‌گردد. رسم و رواج‌های مردسالارانه از عواملی است که حق آزادی رفت‌وآمد زنان مطابق قانون را با محدودیت روبرو می‌سازد.<sup>۱</sup>

خانواده‌های افغانستان هنوز هم الگوهای متفاوتی برای جامعه‌پذیری زنان و دختران دارند؛ خانواده‌ها از همان ابتدای کودکی پسران را برای نقش‌های بیرون از خانه مانند تجارت، کسب درآمد و ایجاد شبکه‌های ارتباطی آماده می‌کنند، اما دختران را برای نقش‌های درون خانه مثل آشپزی و مراقبت از کودکان جامعه‌پذیر می‌کنند. این جامعه‌پذیری متفاوت دختران نسبت به پسران باعث می‌شود که پسران با توجه به نقش‌های که به عهده‌دارند از اقتدار و منزلت بیشتر و بالاتر برخوردار شوند. این اقتدار بیشتر که از سوی زنان نیز پذیرفته شده است، باعث بسیاری از نابرابری‌ها هم در درون خانواده و هم در سطح جامعه افغانستان شده است.<sup>۲</sup> در نتیجه در افغانستان هنوز نگاه تحقیرآمیز نسبت به جنس زن وجود دارد، در خانواده مرد حاکمیت مطلق دارد، خشونت جنسی فراوان است و سنت‌های نادرست مانند ازدواج بدون رضایت، محرومیت از ارث و محرومیت از حق طلاق در برخی از مناطق شیوع دارد. وجود آداب و رسوم فرهنگی از چالش‌های تطبیق کامل کنوانسیون حقوق زنان بوده و باوجود عرف و فرهنگ ناپسند، زنان نمی‌توانند به‌درستی از حقوق خود بهره‌مند شوند.<sup>۳</sup>

### چ: چشم انداز آینده

بعد از افزایش قدرت طالبان و جدی‌تر شدن مذاکرات صلح بارها از سوی نهادهای مدنی و مدافعان حقوق بشر این نگرانی ابراز شد که ممکن است ارزش‌های حقوق بشری و حقوق زنان وجه‌المصلحه صلح با طالبان قرار بگیرد. با تحولات سریع اخیر و کنترل طالبان بر تمام کشور، این نگرانی نسبت به هر زمان دیگر جدی‌تر شده است و برخی ناامیدانه فکر می‌کنند تمام دستاوردهای ضرب صفر شده و افغانستان به دوره ماقبل ۲۰۰۱ برخواهد گشت.

من شخصا این حجم از بدبینی را قبول ندارم و معتقدم که برخی از دستاوردهای سطحی مانند قوانین و نهادها ممکن است نسخ و منحل شوند یا تغییر ماهیت بدهند، اما تغییرات عمیقی که در ذهنیت شهروندان افغانستان صورت گرفته است، به آسانی از بین نخواهد رفت. این واقعیت را نمی‌شود منکر شد که در دوره جدید علاوه بر اینکه هنجارهای حقوق بشری در مرحله قانون‌گذاری و پالیسی‌سازی مورد توجه دولت افغانستان بوده است، در اثر ارتقاء سطح تحصیلی جامعه، گسترش رسانه‌های چاپی، دیداری و شنیداری و فراگیر شدن اینترنت و رسانه‌های اجتماعی آگاهی مردم از ارزش‌ها و هنجارهای حقوق بشری افزایش یافته و حقوق بشر به یک گفتمان جدی و تأثیرگذار در افکار عمومی جامعه تبدیل شده است. بنابراین با توجه به دو عامل

۱. وزارت امور خارجه افغانستان، گزارش مقدماتی و دوم دوره‌ای به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ص ۶، بند ۱۷.

۲. زهرا معتمدی، نابرابری‌های جنسیتی، ماهنامه حقوق بشر، سال دهم، شماره دهم، جدی ۱۳۹۱، ص ۳۹.

۳. وزارت امور خارجه افغانستان، گزارش مقدماتی و دوم دوره‌ای به کمیته رفع تبعیض علیه زنان، ص ۱۵، بند ۵۰.



تاثیرگذار: ۱. نسل جدید باسوادتر و آگاه‌تر که زندگی در فضای دموکراتیک و آزاد را تجربه کرده‌اند و به راحتی تسلیم فضای خفقانی طالبان نخواهند شد. ۲. پیشرفت تکنولوژی و دسترسی همگانی به رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی این فرصت را فراهم کرده است تا صدای شهروندان به آسانی در جهان بازتاب یابد. با توجه به آنچه بیان شد اگر مقاومت مدنی هماهنگ و هدفمند صورت بگیرد، طالبان چاره‌ای جز عقب‌نشینی نخواهند داشت.